

هویت‌یابی مدرن و سرمایه اجتماعی دانشجویان^۱

غلامعباس توسلی^۲

داود ابراهیم‌پور^۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین هویت اجتماعی دانشجویان و نوع آن با نوع و میزان سرمایه اجتماعی آنان می‌پردازد. بدین منظور، تعریف هویت بازانديشانه آنتونی گیدنز از هویت‌یابی در دنیای مدرن ملاک تقسیم‌بندی هویت اجتماعی سنتی و مدرن قرار گرفته و در اندازه‌گیری و تقسیم‌بندی انواع سرمایه اجتماعی نیز مبنای مورد نظر استون و هیوز برای طبقه‌بندی سرمایه اجتماعی ملاک دانسته شده است. در این تحقیق که به شیوه پیمایشی انجام گرفته است، از دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، ۳۸۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم هر طبقه (رشته تحصیلی دانشجویان) انتخاب و از آنها پرسش شد. بر اساس نتایج تحقیق، نسبت دانشجویانی که دارای هویت اجتماعی مدرن و سرمایه اجتماعی متوسط و پایین هستند، بیشتر از کسانی است که هویت اجتماعی سنتی و سرمایه اجتماعی متوسط و زیاد دارند. تحلیل داده‌های جدول تقاطعی دو متغیر هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیانگر آن است که هرچه دانشجویان از هویت سنتی فاصله گرفته و در رده مدرن قرار می‌گیرند، میزان سرمایه اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد. دانشجویان سنتی‌تر دارای سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به دانشجویان مدرن هستند. دانشجویان شهری از سرمایه اجتماعی نهادی و دانشجویان روستایی از سرمایه اجتماعی فردی بالایی برخوردارند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های جمعی، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، هویت بازانديشانه

۱. مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران که در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان «تحلیل اثرات رسانه‌های جمعی بر سرمایه اجتماعی جوانان با تأکید بر تلویزیون و ماهواره» انجام یافته تدوین و ارائه شده است.

۲. استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران tavasoli@tu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران - نویسنده مسئول

da_brahimpoor@yahoo.com

مقدمه

تغییرات اجتماعی پدیدآمده از قرن هفدهم به بعد در تمامی جوامع اروپایی و به تبع آن بیشتر کشورهای جهان در زمینه‌های تولید، شهرنشینی، سطح سواد و کیفیت زندگی، ساختارهای جوامع را با تحولات شگرفی مواجه کرده است و آثار این تغییرات در زمینه‌های مختلف روابط اجتماعی (که نمود آن در بحث سرمایه اجتماعی در این مقاله بررسی شده است) و نگرش افراد نسبت به هویت اجتماعی خود، از زمینه‌های تحقیقاتی جذاب برای جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. این مقاله در پی آن است که با استفاده از تئوری‌های رایج در حوزه سرمایه اجتماعی و با استفاده از شاخص‌ها و معرف‌های این مفهوم، به اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تبریز پردازد و آن را با مفهوم هویت اجتماعی ربط دهد تا هویت اجتماعی افراد را به عنوان متغیر مستقل اثرگذار در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی آن‌ها مطرح کند.

مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که هویت اجتماعی افراد چگونه بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مانند اعتماد اجتماعی اثر می‌گذارد و وضعیت این دو متغیر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تبریز چگونه است؟

برای پاسخ به این سؤال با رجوع به آرا و اندیشه‌های برخی جامعه‌شناسان برجسته مانند پی‌یر بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما، تعاریف و الگوهای مطالعه سرمایه اجتماعی بررسی شده و با استفاده از چارچوب نظری مبتنی بر نظریه آنتونی گیدنز در مورد هویت اجتماعی و مدل ترکیبی سنجش سرمایه اجتماعی، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تبریز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

طرح مسأله

هویت اجتماعی افراد بخش مهمی از هستی اجتماعی آن‌هاست که در پرتو آن رفتارها و کنش‌های اجتماعی آنان معنا و مفهوم می‌یابد و چارچوب‌های تعیین‌شده از سوی جامعه برای تنظیم و کنترل این رفتارها در افراد شکل می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی که پدیده‌ای ناشی از شکل و نوع روابط اجتماعی بین کنشگران اجتماعی است، مستقیماً به آن دسته از چارچوب‌های رفتاری مربوط است که کنشگران در طول جریان جامعه‌پذیری در خود درونی کرده و با الگوگیری از عناصر آن، به ساختن هویت فردی و اجتماعی خویش نایل شده‌اند. بنابراین، همه عواملی که در جامعه‌پذیر کردن افراد تأثیر دارند، اعم از نهاد خانواده و ساختار روابط اجتماعی حاکم بر آن، نهاد آموزش و پرورش و الگوی تربیتی حاکم بر آن، رسانه‌های جمعی و نوع پیام‌های ارائه‌شده به وسیله آن و عوامل دیگری مانند سنت‌های اجتماعی و میزان الزام اعمال‌شده از سوی جامعه بر افراد جهت پیروی از این سنت‌ها و میزان آزادی آنان در ابداع و نوآوری در زمینه رفتارهای اجتماعی، محل سکونت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی، طبقه اجتماعی - اقتصادی و جنسیت افراد در شکل‌گیری و حفظ و تداوم یا زوال سرمایه اجتماعی ممکن است تأثیر زیادی داشته باشند (استون^۱، ۲۰۰۱: ۴۵).

اگر ساختار عوامل شکل‌دهنده به هویت اجتماعی افراد جامعه به گونه‌ای باشد که در درون آن هویت افراد در فرایند متقابل اثرگذاری بین فرد و جامعه خصیلتی بازاندیشانه بیابد که در آن افراد ضمن اثرپذیری از عناصر اجتماعی متعلق به ساختارها، از حدی از آزادی عمل در برخورد با این عناصر ساختاری برخوردار هستند و در جریان تلفیق بین عاملیت خود و ساختارهای اجتماعی به تعریف و بازتعریف هویت اجتماعی خود پرداخته، از سنت فاصله بگیرند، و عناصری از مدرنیته و فرهنگ مدرن (هر چند به صورت نامتوازن و اندک) در جامعه آنان نفوذ کند، انتظار می‌رود شکلی از سرمایه اجتماعی در این جامعه پدیدار شود که با آنچه در یک جامعه سنتی از این مفهوم می‌توان سراغ گرفت، متفاوت است. در جامعه سنتی به خاطر نفوذ شدید سنت‌ها بر رفتارهای اجتماعی افراد و تسلط ساختارها بر فردیت افراد، سرمایه اجتماعی فردی برجسته‌تر است و در جامعه مدرن که هویت اجتماعی افراد در

1. stone

آن از حالت سنتی فاصله گرفته است، سرمایه اجتماعی نهادی میزان بالایی دارد (استون و هیوز^۱، ۲۰۰۲: ۲۸).

مروری بر مفهوم هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی

جامعه‌شناسان درباره هویت اجتماعی و نحوه شکل‌گیری آن در دنیای مدرن و چگونگی فاصله گرفتن افراد از هویت‌های سنتی در جامعه مدرن، نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی جامعه‌شناسان دوره‌ای را که در آن به سر می‌بریم دوره پسامدرن نامیده‌اند و برخی نیز آن را دوره متأخر مدرن می‌نامند. آنتونی گیدنز ضمن قبول تفاوت‌های جدی در نهادهای اجتماعی سنتی و مدرن، در مورد هویت اجتماعی و رابطه آن با اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در دوره مدرن، از واژه «مخاطره» استفاده کرده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۷). او معتقد است واژه مخاطره که جای مفهوم «بخت» یا «سرنوشت» دوره سنتی را گرفته است، به معنای پیامدهای پیش‌بینی نشده فعالیت‌های انسان‌ها و مربوط به چشم‌داشت‌هایی است که ممکن است برآورده نشده، دلسردی در افراد ایجاد کنند. در این دوره، هویت اجتماعی در پرتو مفاهیم اعتماد و مخاطره خصلتی بازانديشانه می‌یابد. در اثر این خصلت عملکردهای اجتماعی کنش‌گران پیوسته بازسنجی و اصلاح می‌شوند (همان، ۴۷).

«بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آنها اصلاح می‌شوند و بدین سان خصلت‌شان را به گونه‌های اساسی دگرگون می‌سازند» (همان، گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷). بنابراین، «ویژگی مدرنیته نه استقبال از چیز نو به خاطر نو بودن آن، بلکه فرض بازانديشی درباره همه چیز است که این بازانديشی البته، بازانديشی درباره خود بازانديشی را نیز دربرمی‌گیرد» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۷).

1 . hughes

گیدنز معتقد است که «تجدد چارچوب حفاظتی جامعه سنتی را از جا کنده و آن‌ها را با سازمان‌های بزرگ‌تر و غیرشخصی‌تر جایگزین کرده است» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۸) بنابراین در دنیای تجدد، هویت شخصی و اجتماعی به طرز متباین با ارتباطات شخصی- اجتماعی جوامع سنتی تر مسأله‌زا می‌شود. اگر مدرنیته را فرایند فشردگی فزاینده زمان و فضا بدانیم که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه متجدد و جهانی واحد ادغام می‌شوند (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۵۶)، می‌توان گفت که این جریان با دگرگون کردن شرایط و چارچوب سنتی هویت‌سازی و تضعیف و انحلال منابع هویت‌ساز سنتی، فرایند هویت‌سازی و هویت‌یابی را در جهان کنونی متمایز از قبل می‌کند. هر چند دانشمندان بر سر منابع هویت‌بخش اجماع ندارند، دست‌کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرایند مدرنیته منابع سنتی هویت‌بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته است تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معنادهی به هویت‌کنش‌گران از دست می‌دهد. «فضامند کردن زندگی اجتماعی، متحول کردن فضا و زمان و نسبی کردن فرهنگ، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن کرده است و مسئولیت هویت‌سازی را برعهده «فرد» گذارده است» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۲).

تعدد مراجع اجتماعی نیز هویت‌سازی را دشوار می‌کند. در این باره، گیدنز معتقد است که در جوامع سنتی افراد معمولاً در واحدهای اجتماعی کوچک ولی منسجم قرار می‌گرفتند و در چارچوب آن واحد هویت می‌یافتند. ولی با فرایند تجدد و گسترش فضای اجتماعی، امکان هویت‌یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است. بنابراین، در جوامع سنتی فرد معمولاً به شکلی «منفعلانه» هویت می‌یافت، و این انفعال تا حدود زیادی از محدود و اندک بودن منابع هویت‌ساز ناشی می‌شد. در این جوامع، عرصه‌های هویت‌ساز چنان با نیروهایی مانند سنت، طبیعت، نهادهای دینی و سیاسی و ... اشغال شده بود که فرد نمی‌توانست از حداقل خودمختاری و آزادی عمل برخوردار باشد. این نیروها هویت و نظام معنایی معینی برای فرد تعریف و عرضه می‌کردند که پذیرش آن از سوی کنش‌گر اجتماعی

تقریباً گریزناپذیر بود، ولی فرایند مدرنیته با فضا‌مند کردن زندگی اجتماعی زمینه‌رهای فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌سازی را فراهم آورد (همان، ۸۷).

در جوامع سنتی عوامل متفاوت تلاش می‌کردند تا اصالت هویت را حفظ کنند «منابع هویتی جدید در جوامع سنتی بسیار اندک بودند یا حتی وجود نداشتند و در صورت وجود، توسل به آن‌ها نیز غیرمشروع بود؛ ولی فرایند تجدد و جهانی‌شدن با رفع این موانع، بستر مناسبی برای تولید هویت‌های ترکیبی و پیوندی فراهم کرده است» (همان، ۹۰).

با توسعه تجدد و فرایند جهانی‌شدن، در همه جوامع به تدریج منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال رفته، عوامل سازنده هویت اجتماعی غیرسنتی به منصفه ظهور می‌آیند. در این حالت، کنش‌گران، به دور از تسلط نهادهای تعیین‌گر ساختاری، چون سنت‌ها، مذاهب و عرف‌های رایج در یک فضای اجتماعی تحول یافته، دست به تعریف مجدد موقعیت و هویت اجتماعی خویش در جامعه می‌زنند. تجدد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات افراد تأثیر می‌گذارد. با این وصف، تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم با زندگی فردی و با «خود» افراد در می‌آمیزند. در جامعه مدرن هویت شخصی و اجتماعی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه نتیجه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد و در فعالیت‌های بازتابی خویش حفاظت و پشتیبانی کند. بنابراین، برکنده‌شدن ریشه‌های هویت اجتماعی از موقعیت‌های ساختاری، بخشی از دگرگونی‌های کلی‌تر فرهنگی است که به تعبیر کلی، آن را فرایند مدرنیته یا مدرن‌شدن نامیده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۵ : ۲۰).

سرمایه اجتماعی

گسترش اولیه و نظام‌مند مفهوم سرمایه اجتماعی را بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی و کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی برای افراد یا گروه‌های کوچک انجام دادند و در این میان این مفهوم به عنوان یکی از بخش‌های مهم تحلیل‌های اجتماعی استفاده شد. این دو جامعه‌شناس با تفاوتی اندک، بر روی منافع متمرکز شدند که افراد و خانواده‌ها از پیوند با یکدیگر به دست

می‌آورند. برخورد بورديو با این مفهوم کاملاً ابزارانگارانه بود و تا حدی بر این مسأله پافشاری می‌کرد که مردم با قصد قبلی و آگاهانه، روابطشان را بر اساس منافی که قرار است در آینده به آن‌ها برسد، تنظیم می‌کنند. بورديو به روابط متقابل میان سرمایه پولی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی اشاره می‌کند و سرمایه فرهنگی را عبارت از صلاحیت تحصیلاتی رسمی می‌داند که افراد در کنار یکدیگر و با مجموعه بسیار نامحسوسی از ارزش‌ها و طرز رفتارها به دست می‌آورند. بینش بنیادین بورديو این بود که این سرمایه‌ها قابل مبادله و تبدیل به یکدیگر هستند (بورديو، ۱۳۸۱: ۱۴۴). به عبارت دیگر، آن‌ها می‌توانند با یکدیگر داد و ستد ماهوی داشته باشند و در واقع رشد و گسترش آن‌ها نیز مستلزم این داد و ستد آن‌هاست. بنابراین، سرمایه اجتماعی به هر معنایی قابل دسترسی نیست؛ مگر اینکه در کنار سرمایه‌گذاری منابع مادی قرار گیرد و از سوی دیگر، داشتن فضایی فرهنگی که بورديو از آن تحت عنوان «فرهنگ یگانه‌ساز» نام می‌برد، این امکان را برای افراد به وجود می‌آورد که روابطی را با افراد ارزشمند و معتبر برقرار کنند (همان، ۱۵۱).

فرض بنیادینی که پشت ایده سرمایه اجتماعی قرار دارد عبارت است از سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با پیوندهای مورد انتظار. این تعریف کلی با تعبیرهای گوناگونی که صاحب‌نظران و پژوهشگران سرمایه اجتماعی بیان کرده‌اند سازگار است. افراد برای تولید سود در تعامل‌ها و شبکه‌های اجتماعی شرکت می‌کنند و منابع موجود در شبکه‌های مشارکت، باعث افزایش سود می‌شود. تعامل‌ها و شبکه‌های مشارکت به چند دلیل سود را در جامعه افزایش می‌دهند: شبکه‌های اجتماعی جریان گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می‌کنند و اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌ها و گزینه‌های مختلف در اختیار فرد قرار می‌دهند و از هزینه‌ها به مقدار زیادی در تعامل‌های اجتماعی می‌کاهند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۸۶).

شبکه‌ها، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده، منجر به انباشت قدرت اجتماعی می‌شوند. این امر نقش مهمی در تصمیم‌ها و گزینش خط‌مشی بازیگران اجتماعی دارد. بعضی از پیوندهای اجتماعی به واسطه موقعیت‌های استراتژیک خود در بردارنده منابع با ارزشی هستند که قدرت تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری فرد را افزایش می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی از فرد در مقابل

تهاجم‌ها و تجاوزها دفاع و شناخت فرد را تقویت می‌کنند. دسترسی افراد به منابع، از طریق شبکه‌ها امکان پذیر است و فرد به وسیله پیوندهای اجتماعی شایستگی خود را تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰).

پی‌یر بوردیو از سه شکل سرمایه نام می‌برد که عبارت‌اند از سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد؛ مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و ممکن است ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱: ۵).

از دیدگاه بوردیو، سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه‌گذاری است و انواع دیگر سرمایه که شامل سرمایه فرهنگی و اجتماعی است، ابزاری برای دستیابی به سرمایه اقتصادی تلقی می‌شود. از نظر بوردیو سرمایه اجتماعی در جوامع سرمایه‌گذاری ابزاری برای تقویت و تثبیت جایگاه اقتصادی افراد به شمار می‌رود. در این جوامع، سرمایه اقتصادی سرمایه پایه به حساب می‌آید و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن دانسته می‌شود. می‌توان گفت که دیدگاه بوردیو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است؛ یعنی اگر سرمایه اجتماعی موجب رشد سرمایه اقتصادی نشود، کاربردی نخواهد داشت (رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷: ۴۱).

جیمز کلنن از واژه‌های مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفته و مفهوم سرمایه آن را از ابعاد مختلف بررسی کرده است. کلنن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داده است. بر این اساس «سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند

شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌کند. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست، اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌مند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید بلکه در روابط اجتماعی افراد قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). تعاریف بوردیو و کلمن تا حدودی شبیه به هم هستند. بوردیو و کلمن هر دو قایل به مشارکت و عضویت فرد در گروه بوده، نتیجه آن را سرمایه تلقی کرده‌اند. بوردیو برای این مفهوم از واژه «چسبندگی» و کلمن از واژه «ساختار اجتماعی» کمک گرفته است. بر خلاف بوردیو که سرمایه اقتصادی را هدف نهایی در نظر گرفت، کلمن سرمایه انسانی را هدف نهایی بیان می‌کند و سرمایه اجتماعی را به‌مثابه ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار می‌برد. کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داشت تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود (رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷: ۴۲).

کلمن در پرداختن به سرمایه اجتماعی نگران تباهی و فروپاشی آن چیزی بود که پیوندهای اجتماعی ابتدایی می‌خواند. این پیوندهای ابتدایی، مراعات هنجارهای اجتماعی را تضمین می‌کند. تمامی اشکال مختلف بیماری‌های اجتماعی، این پیوندها را نقض می‌کنند. این بیماری‌ها از جرم و نامنی در خیابان‌ها، تا رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان در مدارس را شامل می‌شود. او در پیدا کردن راهی برای معالجه این نوع بیماری‌های اجتماعی دو پیشنهاد ارائه می‌کند. در ابتدا به دفاع از پیوندهای اجتماعی که باید در جای مناسب خود قرار گیرند می‌پردازد، سپس از جایگزین شدن ساختارهای اجتماعی ابتدایی دفاع می‌کند؛ ساختارهایی که به خاطر سازمان‌های تصنعی نباشد در جامعه مدرن، از بین رفته‌اند. این سازمان‌ها فهرستی از انگیزه‌ها را در جایگاه سرمایه اجتماعی رو به زوال قرار می‌دهند (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۸). کلمن با طرح این نکته که خانواده‌های از هم‌پاشیده نمونه‌هایی از ساختارهایی هستند که پیوندهای

اجتماعی آنها تضعیف شده است و بنابراین بنیان آموزش و پرورش را سست می‌کنند، معتقد است «کسانی که بچه‌های خود را درست تربیت نمی‌کنند، نه تنها در هدر دادن اندیشه‌های آنها بلکه در ایجاد آینده‌ای آکنده از جرم و مواد مخدر، برونی‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کنند» (فاین، ۱۳۸۵ : ۱۳۸).

رابرت پاتنام که از نظریه‌پردازان اخیر سرمایه اجتماعی است، تأکید عمده‌ای بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف دارد. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده، در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰ : ۲۸۵). از نظر وی اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (همان : ۲۹۱). پاتنام سرمایه اجتماعی را وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی می‌داند. تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد است. از نظر پاتنام همین عامل است که می‌تواند با جلب اعتماد میان مردم و دولت‌مردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین، اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد وجود داشته باشد، به همان اندازه از رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود (همان : ۲۹۲).

فرانسیس فوکویاما از متفکران معاصر، بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه معتقد بوده و سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد؛ چرا- که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹ : ۱۱ و ۱۰). او اعتقاد دارد که در ارتباط با سرمایه اجتماعی باید دو نکته را مد نظر داشت: ۱. سرمایه اجتماعی، سرمایه انسان‌ها نیست؛ چرا که این سرمایه متعلق به گروه‌هاست و نه به افراد، هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن

سهیم باشد. ۲. سرمایه اجتماعی با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد لزوماً چیز خوبی نیست. در این علوم همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی خواه خوب یا بد، ضروری است» (همان: ۱۳). همه این اندیشمندان در نگرش خود به سرمایه اجتماعی در دنیای مدرن امروز به دنبال ریشه‌های حفظ یا زوال سرمایه اجتماعی هستند و هر کدام بر یک یا چند عنصر که ممکن است به عنوان متغیرهایی اثرگذار، میزان سرمایه اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد، متمرکزند. در این تحقیق، با استفاده از ایده بنیادین گیدنز در مورد تغییرات پدیدآمده در دنیای مدرن در زمینه تعریف و بازتعریف انسان‌ها از خود و هویت اجتماعی‌شان به عنوان عوامل اساسی اثرگذار بر کنش‌های اجتماعی و عناصر مرکزی آن مانند اعتماد و مشارکت اجتماعی، آثار آن بر نوع و میزان سرمایه اجتماعی افراد تحلیل و بررسی شده است.

چارچوب نظری

در جامعه سنتی، منابعی که هویت افراد را تعریف می‌کنند، محدودند و در عین حال از حالتی تعیین‌بخش برخوردارند، بنابراین ساختارها و نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، دین و نظام سیاسی، در همه ابعاد، برداشت افراد از خود را تحت سیطره دارند و افراد در چنین حالتی، دارای نقشی انفعالی در هویت‌یابی خود هستند. منابع سنتی هویت‌ساز در این جامعه حالت مسلط دارند ولی در جامعه مدرن اولاً منابع سنتی هویت‌یابی قدرت و تسلط خود را از دست داده‌اند و ثانیاً در کنار سایر منابع مدرن، نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند؛ چراکه با گسترش فضای اجتماعی و افزایش ارتباطات اجتماعی به واسطه گسترش جهان اجتماعی افراد در اثر وسعت تعامل‌های اجتماعی روزانه و نیز استفاده از رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون‌های داخلی و کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی در فضای اینترنت، مراجع متعددی در هویت‌یابی افراد اثرگذار می‌شوند و این امر هویت افراد را از حالت سنتی خارج می‌کند و آن‌ها را به سوی هویت‌یابی مدرن رهنمون می‌شود. در این حالت که افراد در جوامع مدرن هویت‌هایی متکثر و ترکیبی دارند، امکان دارد در روابط اجتماعی خود با

دیگران، میزان بالایی از اعتماد اجتماعی، احساس تعهد و تعلق اجتماعی نشان دهند و در این حالت جامعه از میزان بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردار شود. همچنین ممکن است با ناهم‌خوانی هویتی افراد جامعه با یکدیگر، به دلیل تفاوت در تعلق آن‌ها به زمینه‌های اجتماعی مختلف و نیز بر خورداری‌های نایکسان آن‌ها از فضاهای رسانه‌ای و در نتیجه بروز شکل و حالتی از جدافتادگی و انزوای اجتماعی در میان آنان، میزان پایینی از اعتماد و احساس تعهد و تعلق اجتماعی را نشان دهند که نتیجه آن، میزان پایین سرمایه اجتماعی خواهد بود. به نظر می‌رسد، سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای می‌تواند به میزان بالایی شکل بگیرد که هویت‌های اجتماعی افراد با هم اختلاف عمیقی نداشته باشد و همه افراد جامعه با توسل به منابع واحد هویت‌بخش، خود را به شیوه‌هایی یکسان درک کرده، بشناسند و به این وسیله رشته‌های مشترک عمیقی افراد را به هم متصل کند. خواه این رشته‌های متصل‌کننده افراد به هم، از منابع سنتی تغذیه شده باشند، خواه از منابع مدرن؛ مانند رسانه‌های جمعی. مهم وجود میزان بالایی از هم‌خوانی هویتی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کند.

هویت فردی و اجتماعی افراد در یک جامعه تحت تأثیر برداشت‌های افراد از خودشان و منابعی است که در هویت‌یابی آنان نقش مسلط‌تری دارد. تصور هر فرد از خود، به نظر امری فردی می‌آید، ولی مطابق نظر جرج هربرت مید، شکل‌گیری «خود» در افراد، امری اجتماعی است و بدون وجود انعکاسی از دیگری تعمیم‌یافته، خود اجتماعی و برداشت روشنی از آن، در افراد شکل نخواهد گرفت. از طرف دیگر، نهادهای اجتماعی نیز در شکل دادن به این تصورات و انعکاس‌ها نقش مهمی دارند و بنا به میزان تسلط این نهادها بر فرایند معنایابی کنش‌های اجتماعی و میزان سنتی یا مدرن عمل کردن این نهادها از نظر اینکه تا چه حد به کنش‌های فردی و انتخاب‌های آزادانه افراد اجازه بروز و ظهور بدهند، انواع متفاوتی از هویت‌های اجتماعی می‌تواند در افراد جامعه شکل بگیرد که می‌توان آن را در پیوستاری که در یک طرف آن هویت‌های اجتماعی مبتنی بر منابع سنتی قرار دارند و در طرف دیگر هویت‌های اجتماعی مبتنی بر منابع مدرن، ملاحظه کرد. بنابراین، نهادها و ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، دین، نظام آموزشی و رسانه‌های جمعی و... همگی در شکل‌گیری

برداشت‌های افراد از خود فردی و اجتماعی‌شان (هویت اجتماعی‌شان) مؤثرند و می‌توان گفت هویت اجتماعی افراد در یک دیالکتیک بین خود افراد و جامعه امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند.

هویت شکل‌گرفته در افراد بنا به ریشه‌های قوام‌دهنده آن می‌تواند سنتی یا مدرن باشد، ولی بدون توجه به مدرن یا سنتی بودن هویت اجتماعی افراد یک جامعه، این هویت می‌تواند حاوی درجه بالایی از میزان اعتماد اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی یا فاقد این ویژگی‌ها باشد. چنانچه هویت اجتماعی فرد در برگزیده این شاخص‌ها باشد، نشان‌دهنده میزان بالای برخورداری از سرمایه اجتماعی است و در صورتی که فاقد آن‌ها باشد، نبود شکل‌گیری یا ضعف در میزان سرمایه اجتماعی در جامعه را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر تصور می‌شود منابع سنتی هویت‌یابی اجتماعی، امکان بروز و ظهور بیشتری برای سرمایه اجتماعی فردی (که ناظر بر روابط اجتماعی بین فردی توأم با درجه بالایی از اعتماد فردی و مشارکت‌های اجتماعی در گروه‌های محدود و ... را شامل می‌شود) به وجود می‌آورند؛ در حالی که منابع مدرن هویت‌یابی که در جوامع مدرن امروزی تسلط بیشتری بر شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دارند، سرمایه اجتماعی نهادی (مشارکت اجتماعی و سیاسی در سطح امور کلان و اعتماد به افراد ناشناس یا نهادهای اجتماعی و افراد شاغل در آن و ... را شامل می‌شود) را به وجود می‌آورند. بنابراین مدرن شدن هویت‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی با تغییر در نوع سرمایه اجتماعی در جوامع جدید دارد.

با توجه به اینکه فضای محدودتری وجود دارد برای کنش اجتماعی فارغ از قیدوبندهای سنت برای زنان و دختران و افراد ساکن روستا، در جوامع سنتی و نیز جوامعی که تازه قدم در راه مدرن شدن گذارده‌اند، انتظار می‌رود دختران دانشجو و ساکنان روستاها در مقایسه با پسران و ساکنان شهرها، هویت اجتماعی سنتی‌تر داشته و از سرمایه اجتماعی فردی بالاتری در مقایسه با سرمایه اجتماعی نهادی برخوردار باشند.

رشته تحصیلی نیز ممکن است در بازاندهی هویت اجتماعی و به تبع آن نوع سرمایه اجتماعی دانشجویان موثر باشد. دانشجویانی که در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که حالت

تجربی بیشتری دارد، در مقایسه با دانشجویان رشته‌های علوم انسانی توانایی انتقادی کمتری در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی و بنابراین توانایی بالاتری در بازانديشي و ساختن هویت اجتماعی خود دارند و به همین ترتیب از سرمایه اجتماعی نهادی بالاتری در مقایسه با دانشجویان رشته‌های فنی و علوم پایه برخوردار هستند.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان و میزان و نوع سرمایه اجتماعی آنان (از نظر فردی و یا نهادی بودن سرمایه اجتماعی) رابطه وجود دارد.

فرضیه اول: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان و میزان سرمایه اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. اتکای هویت اجتماعی دانشجویان به منابع سنتی، میزان بالایی از سرمایه اجتماعی فردی را در آنان ایجاد می‌کند و اتکای هویت اجتماعی دانشجویان به منابع مدرن، میزان بالایی از سرمایه اجتماعی نهادی را در آنان ایجاد می‌کند.

فرضیه دوم: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان و نوع سرمایه اجتماعی آنان (از نظر برجستگی سرمایه اجتماعی فردی یا سرمایه اجتماعی نهادی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. فرضیه سوم: نوع هویت اجتماعی غالب (سنتی، بینابین و مدرن) در میان دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

فرضیه چهارم: نوع سرمایه اجتماعی غالب (فردی و نهادی) در میان دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

فرضیه پنجم: نوع هویت اجتماعی غالب در میان دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است.

فرضیه ششم: نوع سرمایه اجتماعی غالب در میان دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است.

فرضیه هفتم: نوع هویت اجتماعی غالب در میان دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است.

فرضیه هشتم: نوع سرمایه اجتماعی غالب در میان دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است.

فرضیه نهم: نوع هویت اجتماعی غالب در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

فرضیه دهم: نوع سرمایه اجتماعی غالب در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر با روش پیمایشی انجام شده و برای گردآوری داده‌ها ابزار پرسشنامه به کار رفته است. دو پرسشنامه برای سنجش دو متغیر اساسی تحقیق، هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، طراحی شده‌اند. در پرسشنامه سنجش هویت اجتماعی، از سه منظر به بررسی و سنجش نوع هویت اجتماعی دانشجویان پرداخته شده است. با توجه به اینکه در این تحقیق هدف اصلی از مطالعه هویت اجتماعی دانشجویان شناخت میزان سنتی یا مدرن بودن هویت افراد مدنظر بوده است، سه بعد و مؤلفه اساسی که می‌توان از روی شاخص‌های آن‌ها، پی به میزان سنتی یا مدرن بودن هویت افراد برد، استفاده شده است. بعد اول میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در زندگی روزمره است. بعد دوم میزان تأثیرپذیری از افکار و عقاید والدین و اعضای خانواده و بعد سوم میزان امکان تغییر در افکار و عقاید سنتی مرسوم در جامعه و بازاندیشی فرد در مورد این عقاید است. از نظر سنخ‌شناسی هویت، پاسخ‌گویان به سه رده سنتی مدرن و بینابین تقسیم شده‌اند تا رابطه بین نوع هویت اجتماعی و نوع سرمایه اجتماعی موجود در روابط اجتماعی آن‌ها بررسی شود. با توجه به نوع نمره‌دهی به جواب‌های سؤالات مربوط به هویت اجتماعی که در آن نمره‌های بالاتر بیانگر مدرن بودن و نمره‌های پایین بیانگر سنتی بودن هویت اجتماعی پاسخ‌گویان است، با ایجاد نقاط برش ۳۳/۳۳ درصدی و ۶۶/۶۶ درصدی و ۱۰۰ درصدی بر روی توزیع داده‌های این متغیر در میان پاسخ‌گویان و تعیین حداکثر نمره‌های مربوط به هویت سنتی و بینابین، افراد واقع در هر یک از این طبقات سه‌گانه، از نظر نوع هویت اجتماعی واجدان انواع سه‌گانه این متغیر تقسیم‌بندی شدند.

در مقیاس سنجش میزان سرمایه اجتماعی افراد از چهار بعد به سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی افراد و پاسخ‌گویان پرداخته شده است. بعد اول شامل سنجش میزان اعتماد فردی موجود در روابط و کنش‌های اجتماعی است. بعد دوم میزان تعامل‌های اجتماعی و میزان انسجام اجتماعی در روابط و کنش‌های اجتماعی و درجه پیوستگی آن‌ها را اندازه‌گیری کرده است. بعد سوم میزان اعتماد پاسخ‌گویان به نهادهای اجتماعی و سیاسی و افراد شاغل در این نهادها را سنجیده و بعد چهارم میزان مشارکت اجتماعی پاسخ‌گویان در عرصه‌های مختلف دانشگاهی را (با توجه به این‌که پاسخ‌گویان تحقیق دانشجویان هستند) مورد اندازه‌گیری قرار داده است.

برای شناخت اینکه چه نوع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی دانشجویان حالت برجسته‌تری دارد، دو بعد جدید از ترکیب ابعاد چهارگانه مورد بحث ساخته و ترکیب شده‌اند: سرمایه اجتماعی فردی و سرمایه اجتماعی نهادی. سرمایه اجتماعی فردی از ترکیب ابعاد اعتماد فردی و تعامل و انسجام اجتماعی، ترکیب و ساخته شده است و حالت خرد دارد. سرمایه اجتماعی نهادی از ترکیب ابعاد اعتماد به نهادهای اجتماعی و سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی ساخته شده است؛ چراکه از رابطه بین کنش‌های اجتماعی با ساختارهای کلان تأثیر بیشتری گرفته و حالت کلان دارد. به نظر می‌رسد افرادی که سستی‌تر هستند و با ساختارهای اجتماعی پهن‌دامنه و کلان روابط و مناسبات کمتری دارند، اعتمادشان و در نتیجه مشارکت‌شان در این ساختارها کم و سرمایه اجتماعی نهادی‌شان پایین‌تر است و برعکس افراد مدرن یعنی آن‌هایی که علاوه بر سطوح خرد با سطوح کلان ساختار اجتماعی نیز به دلیل وجود اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی بالا، تعامل‌های اجتماعی زیادی دارند دارای سرمایه اجتماعی نهادی بیشتری هستند. میزان سرمایه اجتماعی افراد از ترکیب همه ابعاد سرمایه اجتماعی ساخته شده است تا رابطه آن با هویت اجتماعی تحلیل شود.

برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری داده‌ها روش سنجش اعتبار صوری، روش بازآزمایی و استفاده از سنجش‌های تثبیت‌شده به کار رفته است. برای آزمون پایایی ابزار اندازه‌گیری، از

روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این آزمون، پایایی پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۸۵۲ و پرسشنامه هویت اجتماعی ۰/۷۹۳ به دست آمد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۸۹ است. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۸۱ نفر است که بر اساس پیش‌برآورد واریانس متغیر سرمایه اجتماعی محاسبه و به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم هر یک از طبقات (تعداد دانشجویان هر رشته و مقطع تحصیلی) انتخاب شده است. پس از مشخص شدن تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی به تفکیک دانشکده‌ها و مقطع تحصیلی و جنسیت دانشجویان، با استفاده از جدول برنامه‌های درسی دانشکده‌های منتخب در مرحله اول نمونه‌گیری، تعدادی از کلاس‌های مربوط به رشته‌های تحصیلی مورد بررسی به روش تصادفی ساده انتخاب شدند و از میان دانشجویان این کلاس‌ها، تعدادی از دانشجویان به پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند.

نتایج و یافته‌ها

۱۹۵ نفر (۵۱/۲ درصد) از پاسخ‌گویان تحقیق را دانشجویان دختر و ۱۸۶ نفر (۴۸/۸ درصد) را دانشجویان پسر تشکیل داده‌اند. رشته تحصیلی ۲۵۳ نفر از دانشجویان (۶۶/۴ درصد) علوم انسانی، ۱۴ نفر (۳/۶ درصد) علوم پایه و ۱۱۴ نفر (۳۰ درصد) فنی و مهندسی بوده است. محل سکونت ۳۰۵ نفر (۸۰ درصد) از دانشجویان شهر و ۷۶ نفر (۲۰ درصد) روستا بوده است. از نظر تعلق طبقاتی، ۶۲ نفر از دانشجویان مورد بررسی (۱۶/۳ درصد) خود و خانواده‌شان را متعلق به طبقه پایین اقتصادی-اجتماعی، ۲۸۱ نفر (۷۳/۷ درصد) طبقه متوسط، ۳۸ نفر (۱۰ درصد) به طبقه بالا دانسته‌اند.

میزان سرمایه اجتماعی ۳۵ درصد از دانشجویان در حد کم، ۴۵ درصد در حد متوسط و ۲۰ درصد در حد زیاد است. از نظر هویت اجتماعی، حدود ۲۱ درصد از کل دانشجویان مورد بررسی، مدرن و حدود ۳۴ درصد سنتی محسوب می‌شوند. ۴۵ درصد نیز در بین این دو گروه (بینابین) قرار می‌گیرند.

آزمون فرضیه‌ها

بر اساس نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق (جدول شماره ۱)، درصد دانشجویانی که از نظر هویت اجتماعی در رده بینابین و مدرن قرار داشته و از نظر سرمایه اجتماعی در رده کم و متوسط هستند بیشتر از کسانی است که از نظر هویت اجتماعی در رده سنتی و از نظر سرمایه اجتماعی در رده متوسط و زیاد قرار دارند. تحلیل داده‌های جدول تقاطعی دو متغیر هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیان‌گر آن است که هر چه دانشجویان از نظر هویت اجتماعی به مدرن شدن (فاصله گرفتن از هویت سنتی و قرار گرفتن در حد بینابین تا مدرن) نزدیک‌تر می‌شوند، میزان سرمایه اجتماعی‌شان کاهش می‌یابد و دانشجویان سنتی‌تر دارای سرمایه اجتماعی بیشتری هستند.

با توجه به اینکه بیشتر دانشجویان دارای هویت اجتماعی بینابین، از نظر میزان سرمایه اجتماعی نیز در حد متوسط قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان با میزان دور شدن از هویت اجتماعی سنتی و به موازات گرایش بیشتر به هویت بینابین و مدرن، تا حدی افزایش می‌یابد ولی میزان این افزایش در میان دانشجویان دارای هویت اجتماعی بینابین بیش از دانشجویان دارای هویت اجتماعی مدرن است.

جدول شماره (۱) جدول تقاطعی نوع هویت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان

کل	میزان سرمایه اجتماعی			نوع هویت اجتماعی
	زیاد	متوسط	کم	
۱۲۸ ٪۳۳/۶	۲۶ ٪۶/۸	۴۷ ٪۱۲/۳	۵۵ ٪۱۴/۵	سنتی
۱۷۱ ٪۴۵	۴۸ ٪۱۲/۷	۷۶ ٪۲۰	۴۷ ٪۱۲/۳	بینابین
۸۲ ٪۲۱/۴	۲ ٪۰/۵	۴۹ ٪۱۲/۷	۳۱ ٪۸/۲	مدرن
۳۸۱ ٪۱۰۰	۷۶ ٪۲۰	۱۷۲ ٪۴۵	۱۳۳ ٪۳۵	کل

همبستگی مربع - خی = ۱۷.۵۹۴ درجه آزادی = ۴ سطح معناداری دودامنه‌ای = ۰.۰۰۱

بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم و نتایج آزمون t همبسته برای مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی فردی با سرمایه اجتماعی نهادی در میان سه گروه از دانشجویان دارای هویت سنتی، بینابین و مدرن، در هیچ یک از گروه‌های سه‌گانه مورد بررسی، شکل خاصی از دو نوع سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) برجستگی ندارد؛ یعنی میانگین این دو متغیر مانند هم است و تفاوت معنی‌داری از نظر آماری بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۲) آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در

بین دانشجویان دارای هویت اجتماعی سنتی، بینابین و مدرن

خطای انحراف میانگین	انحراف استاندارد	تعداد	میانگین	نوع سرمایه اجتماعی نوع هویت اجتماعی
۰/۸۱۷	۷/۰۳۱	۱۲۸	۳۲/۷۸	سرمایه اجتماعی فردی
۰/۷۲۰	۶/۱۹۷	۱۲۸	۳۰/۷۷	سنتی سرمایه اجتماعی نهادی
۰/۶۶۵	۶/۶۱۹	۱۷۱	۳۲/۱۱	سرمایه اجتماعی فردی
۰/۵۸۶	۵/۸۳۰	۱۷۱	۳۱/۲۲	بینابین سرمایه اجتماعی نهادی
۱/۰۵۴	۷/۲۲۶	۸۲	۳۰/۷۹	سرمایه اجتماعی فردی
۱/۰۴۴	۷/۲۹۵	۸۲	۳۱/۸۵	مدرن سرمایه اجتماعی نهادی

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

تفاوت‌های جفت‌ها			سطح معنی‌داری دو دامنه‌ای	مقدار t	درجه آزادی	نوع سرمایه اجتماعی نوع هویت اجتماعی
میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین				
۲/۰۱۴	۱۰/۲۳۹	۱/۱۹۰	۰/۰۹۵	۱/۶۹۲	۱۲۷	سرمایه اجتماعی فردی سستی سرمایه اجتماعی نهادی
۰/۸۸۹	۷/۶۰۰	۰/۷۶۴	۰/۲۴۷	۱/۱۶۴	۱۷۰	سرمایه اجتماعی فردی بینابین سرمایه اجتماعی نهادی
-۱/۰۶۴	۱۰/۳۷۰	۱۰/۳۷۰	۰/۴۸۵	-۰/۷۰۳	۸۱	سرمایه اجتماعی فردی مدرن سرمایه اجتماعی نهادی

بر اساس نتایج آزمون فرضیه سوم، در طبقه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین و متوسط میانگین‌های مربوط به هویت اجتماعی سستی (۲۹.۶۶ و ۲۷.۲۲) بزرگ‌تر از میانگین‌های مربوط به هویت اجتماعی مدرن (۲۶ و ۲۲.۳۶) است ولی در طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا، عکس آن مشاهده می‌شود. این امر بیان‌گر آن است که هویت اجتماعی دانشجویان متعلق به طبقه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین و متوسط از حالتی سستی‌تر برخوردار است و تعلق دانشجویان به طبقه‌های پایین یا متوسط جامعه تأثیری در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مدرن در آنان ندارد ولی تعلق داشتن به طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا ممکن است به مدرن شدن هویت اجتماعی افراد منجر شود. بنابراین، می‌توان گفت تعلق دانشجویان به طبقه‌های اقتصادی - اجتماعی پایین و متوسط در شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن (که در ارتباط با نوع خاصی از روابط اجتماعی در خانواده یا میزان استفاده از رسانه‌های جمعی یا بازاریابی در مورد افکار و عقاید اجتماعی باشد) در دانشجویان نقش موثری نداشته ولی تعلق به طبقه اقتصادی - اجتماعی بالا ممکن است به شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن منجر شود (جدول شماره ۳).

بر اساس نتایج آزمون فرضیه چهارم، دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی- اجتماعی پایین، متوسط و بالا از نظر دارا بودن سرمایه اجتماعی فردی و سرمایه اجتماعی نهادی مانند هم هستند و تفاوت معنی‌داری از نظر آماری بین آنها وجود ندارد.

جدول شماره (۳) آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در بین دانشجویان طبقات اجتماعی مختلف

نوع سرمایه اجتماعی طبقه اقتصادی - اجتماعی	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین
سرمایه اجتماعی فردی پایین سرمایه اجتماعی نهادی	۲۹/۶۶۶	۶۲	۴/۶۵۹	۰/۷۷۶
	۲۶	۶۲	۶/۷۹۴	۱/۱۳۲
سرمایه اجتماعی فردی متوسط سرمایه اجتماعی نهادی	۲۷/۲۲۲	۲۸۱	۴/۰۵۲	۰/۳۱۸
	۲۴/۴۶۹	۲۸۱	۵/۵۴۲	۰/۴۳۵
سرمایه اجتماعی فردی بالا سرمایه اجتماعی نهادی	۲۶/۴۵۴	۳۸	۶/۳۸۹	۱/۳۶۲
	۲۲/۳۶۳	۳۸	۵/۰۷۶	۱/۰۸۲

نوع سرمایه اجتماعی طبقه اقتصادی - اجتماعی	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی‌داری دو دامنه ای	تفاوت‌های جفت‌ها		
				خطای انحراف میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
سرمایه اجتماعی فردی طبقه پایین سرمایه اجتماعی نهادی	۶۱	۳/۱۰۲	۰/۰۰۴	۱/۱۸۱	۷/۰۹۱	۳/۶۶۶
سرمایه اجتماعی فردی طبقه متوسط سرمایه اجتماعی نهادی	۲۸۰	۵/۷۸۵	۰/۰۰۰	۰/۴۷۵	۶/۰۵۶	۲/۷۵۳
سرمایه اجتماعی فردی طبقه بالا سرمایه اجتماعی نهادی	۳۷	۴/۰۲۳	۰/۰۰۱	۱/۰۱۶	۴/۷۷۰	۴/۰۹۰

بر اساس نتایج آزمون فرضیه پنجم، در گروه دانشجویان شهری، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۷/۴۳۱ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۴/۲۵۰ است. در گروه دانشجویان روستایی، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۸ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۵/۵۴۵ است. بنابراین، در هر دو گروه مورد بررسی (دانشجویانی که خانواده آن‌ها ساکن شهر است و دانشجویانی که خانواده آن‌ها ساکن روستاست)، میانگین هویت اجتماعی سنتی بالاتر از میانگین هویت اجتماعی مدرن است. این امر بیان‌گر آن است که تعلق دانشجویان به خانواده‌های شهری و روستایی تأثیر زیادی در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مدرن در آنان ندارد.

جدول شماره (۴) آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت هویت اجتماعی سنتی و مدرن در

بین دانشجویان شهری و روستایی

نوع هویت اجتماعی محل سکونت خانواده	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین
شهر هویت اجتماعی سنتی	۲۷/۴۳۱	۳۰۵	۴/۴۸۶	۰/۳۳۸
مدرن هویت اجتماعی مدرن	۲۴/۲۵۰	۳۰۵	۵/۸۴۶	۰/۴۴۰
روستا هویت اجتماعی سنتی	۲۸	۷۶	۴/۶۵۵	۰/۷۰۱
مدرن هویت اجتماعی مدرن	۲۵/۵۴۵	۷۶	۵/۳۸۴	۰/۸۱۱

نوع هویت اجتماعی محل سکونت خانواده	درجه آزادی	مقدار t	سطح معنی- داری دو دامنه‌ای	تفاوت‌های جفت‌ها	
				خطای انحراف میانگین	انحراف استاندارد میانگین
شهر هویت اجتماعی سنتی هویت اجتماعی مدرن	۳۰۴	۶/۵۹۶	۰/۰۰۰	۰/۴۸۲	۶/۳۹۹
روستا هویت اجتماعی سنتی هویت اجتماعی مدرن	۷۵	۳/۳۵۸	۰/۰۰۲	۰/۷۳۰	۴/۸۴۸

بر اساس نتایج آزمون فرضیه ششم، در گروه دانشجویان شهری، میانگین سرمایه اجتماعی فردی (۳۲/۱۲) بالاتر از میانگین سرمایه اجتماعی نهادی است، ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. در گروه دانشجویان روستایی میانگین سرمایه اجتماعی نهادی (۳۲/۰۹) از سرمایه اجتماعی فردی (۳۱/۷۷) بیشتر است ولی با توجه به سطح معنی‌داری آماری (۰/۸۱) این تفاوت نیز از نظر آماری معنی‌دار نیست (جدول شماره ۵).

جدول شماره (۵) آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در

بین دانشجویان شهری و روستایی

تفاوت‌های جفت‌ها			سطح معنی‌داری دو دامنه‌ای	مقدار t	درجه آزادی	نوع سرمایه اجتماعی محل سکونت خانواده دانشجویان
میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین				
۱/۱۴۲	۹/۲۷۸	۰/۶۹۹	۰/۱۰۴	۱/۶۳۳	۳۰۴	سرمایه اجتماعی فردی شهر سرمایه اجتماعی نهادی
-۰/۳۱۸	۸/۸۸۴	۱/۳۳۹	۰/۸۱۳	-۰/۲۳۸	۷۵	سرمایه اجتماعی فردی روستا سرمایه اجتماعی نهادی

بر اساس نتایج آزمون فرضیه هفتم، در گروه دانشجویان رشته علوم انسانی، میانگین هویت اجتماعی سنتی بیشتر از میانگین هویت اجتماعی مدرن است (۲۷/۴۶ در مقابل ۲۴/۲۷). در گروه دانشجویان رشته علوم پایه، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۵/۵ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۱ است. در گروه دانشجویان فنی و مهندسی میانگین هویت اجتماعی سنتی و مدرن برابر با ۲۷/۹۷ و ۲۵/۴۵ است. در هر سه گروه میانگین هویت اجتماعی سنتی بالاتر از میانگین هویت اجتماعی مدرن است و تحصیل دانشجویان در رشته‌های تحصیلی مختلف تأثیری در مدرن شدن هویت اجتماعی آنان ندارد.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه هشتم، در گروه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی میانگین سرمایه اجتماعی فردی ۳۲/۳۸ و میانگین سرمایه اجتماعی نهادی ۳۰/۷۷ است. در گروه دانشجویان رشته‌های علوم پایه میانگین سرمایه اجتماعی فردی ۳۶/۲۵ و میانگین سرمایه اجتماعی نهادی ۳۱/۲۵ است. در هر دو گروه مذکور سرمایه اجتماعی فردی از میانگین بالاتری برخوردار است. تفاوت مشاهده شده در بین این دو گروه معنادار است. اما در گروه دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی تفاوت بین میانگین‌های این دو متغیر از نظر آماری معنی‌دار نیست (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶) آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف

رشته تحصیلی دانشجویان	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین
سرمایه اجتماعی فردی علوم انسانی	۳۲/۳۸	۲۵۳	۶/۶۵۳	۰/۵۵۱
سرمایه اجتماعی نهادی علوم انسانی	۳۰/۷۷	۲۵۳	۵/۹۱۲	۰/۴۸۹
سرمایه اجتماعی فردی علوم پایه	۳۶/۲۵	۱۴	۲/۴۱۸	۱/۹۱۶
سرمایه اجتماعی نهادی علوم پایه	۳۱/۲۵	۱۴	۷/۴۲۱	۲/۶۲۴
سرمایه اجتماعی فردی فنی و مهندسی	۳۰/۸۲	۱۱۴	۷/۳۷۸	۰/۹۰۸
سرمایه اجتماعی نهادی فنی و مهندسی	۲۵/۴۵	۱۱۴	۶/۸۷۶	۰/۸۴۶

تفاوت‌های جفت‌ها			سطح معنی‌داری دو دامنه‌ای	مقدار t	درجه آزادی	نوع سرمایه اجتماعی رشته تحصیلی دانشجویان
میانگین	انحراف استاندارد	خطای انحراف میانگین				
۱/۶۱۶	۸/۴۵۳	۰/۷	۰/۰۲۲	۲/۳۱۱	۲۵۲	سرمایه اجتماعی فردی علوم انسانی سرمایه اجتماعی نهادی
۵	۲/۵۰۷	۰/۸۸۶	۰/۰۰۱	۵/۶۴۱	۱۳	سرمایه اجتماعی فردی علوم پایه سرمایه اجتماعی نهادی
-۱/۳۴۸	۱۰/۸۰۲	۱/۳۳	۰/۳۱۴	-۱/۰۱۴	۱۱۳	سرمایه اجتماعی فردی فنی ومهندسی سرمایه اجتماعی نهادی

بر اساس نتایج آزمون فرضیه نهم، در بین دانشجویان دختر میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۶/۶۸ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۵/۱۷ است. در گروه دانشجویان پسر، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۸/۰۶ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۴/۱۱ است. مقایسه میانگین‌ها در بین دانشجویان دختر و پسر نشان‌دهنده آن است که در هر دو گروه هویت اجتماعی سنتی از میانگین بالاتری نسبت به هویت اجتماعی مدرن برخوردار است. بر اساس نتایج آزمون فرضیه دهم، در گروه دانشجویان پسر سطح معنی‌داری آماری آزمون t همبسته برای مقایسه دو نوع سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) بیان‌گر آن است که میزان هر دو نوع سرمایه اجتماعی نزد دانشجویان پسر یکسان است و نزد این دانشجویان هیچ یک از اشکال سرمایه اجتماعی حالت غالب ندارد.

بحث و تفسیر

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، حدود ۳۳ درصد از دانشجویان مورد مطالعه دارای هویت اجتماعی سنتی، ۲۱/۴ درصد دارای هویت اجتماعی مدرن و ۴۵ درصد دارای هویت اجتماعی بینابین محسوب می‌شوند. بنابراین، با توجه به اینکه حدود نیمی از دانشجویان در

بین دو طبقه اصلی هویتی قرار دارند، می‌توان نوعی بلا تکلیفی را در تعلق به زمینه‌های فکری سنتی و مدرن شکل‌دهنده هویت اجتماعی مشاهده کرد. این امر بیانگر آن است که فضای فرهنگی حاکم بر جامعه مورد مطالعه تا حدود زیادی پایبندی به سنت‌های فرهنگی و اجتماعی را از افراد طلبیده و در این مسیر تا حدی توانسته است موفق عمل کند و نیروهای اجتماعی مدرن هنوز نتوانسته‌اند در قالب نهادها، افکار، اندیشه‌ها و رویه‌های مدرن فکری و هویتی‌یابی در جریان بازاندیشی فکری و هویتی جوانان این جامعه جای درخور توجهی برای خود باز کنند که این امر ضمن تأیید پافشاری افراد، نهادها و ساختارهای گذشته‌گرای مسلط جامعه بر حفظ قالب‌های فکری و هنجاری جهت شکل‌دهی به الگوهای فکری و رفتاری نسل جوان مطابق با الزامات سنتی و ذائقه‌های فرهنگی خود، بنا بر نظریه گیدنز که معتقد است سنت در باز ترکیب با «رخوت عادت» حتی در مدرن‌ترین جوامع می‌تواند همچنان نقش بازی کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۵)، در جامعه ایران به نظر می‌رسد که سنت توانسته است این نقش را در جامعه دانشجویی نیز به خوبی ایفا کند.

به نظر می‌رسد فرایند مدرنیته که می‌تواند به زعم گیدنز با ترکیب عناصر سنتی و مدرن زندگی اجتماعی، زمینه‌رهای فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌ساز را فراهم آورد، در حدی متوسط توانسته است چنین زمینه‌ای را برای حرکت مطلوب به سوی مدرن شدن فراهم و تعلق‌های هویتی افراد را از زمینه‌های کاملاً سنتی به سوی عناصر مدرن هدایت کند. نتایج تحقیق حاضر بیانگر حرکت عناصر مهم هویتی‌یابی جوانان جامعه ایران به سمت تلفیق عناصر ملی و بومی با عناصر مدرن است.

با توجه به اینکه در بین دانشجویان شهری و روستایی، میانگین هویت اجتماعی سنتی بالاتر از میانگین هویت اجتماعی مدرن است، می‌توان نتیجه گرفت که یا عناصر مدرن اثرگذار بر طرز فکر دانشجویان در محیط‌های شهری درجه بالایی از تأثیر ندارند، یا این عناصر در محیط‌های روستایی نیز به اندازه محیط‌های شهری بر آنان تأثیرگذار بوده و تفاوت‌های ناشی از سکونت در مناطق شهری و روستایی را تضعیف کرده است. در زمینه برجستگی اشکال مختلف سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) در دو محیط شهری و روستایی نیز انتظار می‌رود

شکل فردی آن در محیط‌های روستایی که بافتی سنتی دارند، برجسته باشد و شکل نهادی آن در محیط‌های شهری متأثر از عناصر مدرن و دارای حالت مسلط‌تر چنین وضعیتی داشته باشد.

تحصیل دانشجویان در رشته‌های مختلف تحصیلی تأثیری بر گرایش بیشتر آنان به هویت اجتماعی مدرن ندارد و در هر سه گروه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی، هویت اجتماعی دانشجویان از حالتی بینابین (بین سنتی و مدرن) برخوردار است، در حالی که انتظار می‌رود دانشجویان علوم انسانی با توجه به آشنایی با مبانی فلسفی این علوم و بره‌مندی از توانایی تفکر انتقادی، در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌ها افق دید بازتر و آمادگی پذیرش بیشتری برای جذب عناصر مدرن تأثیرگذار بر هویت اجتماعی خود داشته باشند. به نظر می‌رسد دلیل این امر یا به فضای کلی معرفتی حاکم بر دانشگاه برمی‌گردد که بنابر ملاحظات هستی‌شناختی علوم انسانی و منطبق بودن این ملاحظات با اقتضات خاص جامعه ایران، نتوانسته است فضای نقد واقعی را در میان دانشجویان علوم انسانی ایجاد کند، یا اینکه اصولاً در جوامعی که تحصیلات دانشگاهی عاملی برای تفکیک عالمان تحصیل‌کرده در حوزه‌های مختلف دانش نیست، نباید انتظار داشت که دانشجویان به طور اعم و دانشجویان علوم انسانی به طور اخص در مواجهه با عناصر شکل‌دهنده هویت اجتماعی و نیز عناصر اثرگذار بر شکل روابط اجتماعی که سرمایه اجتماعی یکی از جلوه‌های آن است، به طور معنی‌داری متفاوت از دیگران باشند. با این حال، اگرچه در تحقیق حاضر عناصر مدرنیته اثر عمیقی بر متغیرهای اساسی مورد بررسی نشان نمی‌دهند، بر اساس تئوری‌های رایج در ادبیات این مفاهیم، خط سیر مطرح‌شده در چارچوب نظری تحقیق به خوبی گویای این اثرگذاری است. بنابراین، به نظر می‌رسد جهت هدایت فکری دانشجویان در مسیر مطابقت با پیش‌نیازهای مدرنیته و حرکت در مسیر تجدد که از نیازهای جامعه ایران در شرایط کنونی است (چرا که این جریان به هر تعبیری، در جامعه ما شروع شده و مسیر خود را به‌رغم مخالفت‌ها و مقاومت‌ها از طرف گروه‌های مختلف اجتماعی، حتی با افت‌وخیزهای شدید، پیموده است) باید جریان مدرنیته و عناصر اجتماعی آن از سوی روشنفکران ایرانی در

حوزه‌های مختلف اندیشگی به‌خوبی بازشناخته و با نقد نکات مغایر با فرهنگ جامعه ایران، الزامات جهانی آن با فرهنگ اسلامی- ایرانی جامعه ما بازیابی و به جامعه دانشگاهی معرفی شود تا زمینه علمی و عملی برای تلفیق عناصر سنتی جامعه ایران با نموده‌های مدرنیت در عرصه‌های اجتماعی مختلف فراهم آید و شاهد هم‌افزایی این عناصر در کنار هم در سطح رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد جامعه باشیم.

بر این اساس، مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی و دانشگاهی برای تقویت هویت اجتماعی دانشجویان در مسیر پیوند با الزامات و پس‌زمینه‌های مدرنیت، هم‌زمان با کمک به حفظ عناصر غیرقابل چشم‌پوشی میراث سنتی و پیوندیافته با عناصر فرهنگی دیرپای جامعه ایران و کمک به مسیریابی صحیح جریان بازاندیشانه هویت اجتماعی، متناسب با شرایط اجتماعی جدید و نوشونده مداوم این جامعه و نیز برای تقویت سرمایه اجتماعی از این رهگذر در این قشر تأثیرگذار در جامعه ایران باید:

- با ایجاد و گسترش زمینه برای فعالیت دانشجویان در تشکل‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشجویی، متناسب با شأن اجتماعی و علمی این قشر، زمینه مناسب را برای مشارکت همه‌جانبه دانشجویان در این تشکل‌ها فراهم آورند تا از این طریق ضمن بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان، بسترهای لازم را برای ورود آنان به عرصه‌های مختلف اجتماعی در آینده ایجاد کنند.

- با بسط و گسترش روحیه تفاهم و همکاری متقابل و تمرکز بر منافع اجتماعی در کنار منافع شخصی، زمینه را برای گسترش اعتماد اجتماعی بین دانشجویان فراهم و از این طریق روحیه تقدم مصالح و منافع جمعی بر منافع فردی را ترویج کنند.

- با آموزش‌های مداوم و بهسازی سازمانی و نیروی انسانی در مجموعه دانشگاه (از حیث آموزش‌های علمی و آکادمیک و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، احساس رضایت از کارکنان و اعتماد اجتماعی متقابل بین دانشجویان و کارکنان دانشگاه را افزایش دهند و از این طریق و بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی نهادی، دستیابی به اهداف سازمانی و آموزشی را تسهیل کنند.

- با ایجاد و گسترش زمینه و بسترهای لازم برای استفاده هر چه بیشتر دانشجویان از وسایل ارتباط جمعی و بهره‌گیری از فضای اینترنت و امکانات موجود در آن و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و منابع مکتوب معتبر مانند کتاب، نشریات علمی - پژوهشی معتبر، روزنامه و اینترنت و ... در فضایی مناسب در دانشگاه و بیرون از آن، دانشجویان را در معرض یافته‌های نوین علمی و اجتماعی و سیاسی قرار دهند تا از این طریق اطلاعات، آگاهی و دانش عمومی و تخصصی دانشجویان به‌روز شود و در بازاریابی افکار و عقاید مختلف مربوط به زندگی اجتماعی‌شان و ساختن هویت اجتماعی متناسب با فرهنگ جامعه، به کار آید.

منابع:

- الوانی، سیدمهدی و سیدنقوی، میرعلی (۱۳۸۱): «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۳۳ و ۳۴.
- برمن، مارشال (۱۳۸۱)؛ تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور؛ تهران: طرح نو.
- بوردیو، پی‌یر (۱۳۸۱)؛ نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها؛ تهران: انتشارات نقش و نگار.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)؛ دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز؛ تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰)؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ تهران: انتشارات سمت.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)؛ هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی؛ تهران: نشر شیرازه.
- رحمانی، محمود و کاوسی، اسماعیل (۱۳۸۷)؛ اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فاین، بن (۱۳۸۵)؛ سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی، ترجمه محمد کمال سروریان؛ تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)؛ *پایان نظم: «سرمایه اجتماعی و حفظ آن»*، ترجمه غلامعباس توسلی؛ تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)؛ *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*؛ تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)؛ *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)؛ *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)؛ *تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان؛ تهران: نشر نی.

- Giddens, A. (1994). *The consequences of modernity*. Stanford: Stanford university press.
- Stone. W. (2001), "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life." Research Paper No. 24. Australian Institute of Family Studies. Melbourne.
- <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>.
- Stone. W. & Hughes. J. (2002). "Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity." Research Paper No. 27. Australian Institute of Family Studies. Melbourne.
- <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone2.html>.